پیامدهای ناکامی اجلاس هسته ای پکن

التهاب در شبه جزیره

گروه بین الملل: پکن آخرین پل امید واشنگتن درنزدیکی به دشمن مجهز به سلاح اتمی اش درشبه جزیره کره است. حال اگر این پل تفاهم هم آسیب ببیند یا فرو بریزد مطمئنا نیست که دولت بوش که اکنون با انواع تهدیدهای نظامی وشبه نظامی در خاورمیانه دست به گریبان است برای خلاصی از موج تهدید مخالف هسته ای اش در خاوردور چه کارخواهد کرد. بروز بن بست در اجلاس شش جانبه هسته ای پکن رانباید ساده انگاشت. این نشست دست کم ازدید افکارعمومی منطقه جنوب شرق آسیا می توانست روزنه ای به سوی آرامش باشد.

متأسفانه تمرکز بیش ازحد ناظران درمشغله های خاورمیانه ای آمریکا موجب غفلت آشکار از وضع حاد شبه جزیره کره شده است .درحالی که وقایع این منطقه علائم نگران کننده ودورنماهای پرمخاطره ای را ازخود بروز داده است .

شکافی که دراین ناحیه میان واشنگتن ومتحدان منطقه ای آن ازیکسو و کشورضد غرب کره شمالی ازسوی دیگر گشوده شده است همچنان درحال گسترش است و هر ماه و هر فصل برگی تازه بردفتر خصومت واشنگتن و پیونگ یانگ افزوده می شود.

شاید نگران کننده تر از دامنه تنشها، نحوه رفتار طرف اصلی این بحران یعنی آمریکا باشد که هیچ اراده وعلاقه ای برای توقف درگیری نشان نمی دهدوسیاستهایی که خانم رایس ونماینده ویژه اودراین عرصه -کریستوفرهیل- پیش می برد چیزی جز دمیدن درکوره بحران نیست.

سران کاخ سفید درباری خطرناک با حریف هسته ای خود به همان روش واسلوبی توسل می جویند که درحوزه خاورمیانه برای تهدید مخالفانشان بکاربسته اند. کریستوفرهیل درپکن وسئول زبان زور را در بالاترین درجه علیه حریف کره ای استفاده کرد. او از تداوم وتشدید تحریم ها علیه طرف کره ای سخن راند ومدعی شدکه آمریکا دیگر شرکایش رانمیزبه همراهی بااین حرکت ترغیب خواهد کرد.

اما هیچ یک ازمیهمانان پکن برای گفته های فرستاده رایس کف نزدند. حتی برای دیپلماتها و نمایندگان دودولت شریک آمریکا یعنی ژاپن وکره جنوبی نیزگفته های آقای هیل نمی توانست مایه خرسندی باشد زیرا آنها بیش از هر کسی از مخاطرات این بازی باخبرند.

پیشاپیش درآستانه برپایی اجلاس پکن، این هشدار به گوش دولتمردان سئول وتوکیو رسیده بودکه سیاستهای لجبازانه واشنگتن دربرابر دشمن منطقه ای اش ممکن است مناقشه هسته ای خاور دور را به بحرانی دراندازه غائله های خاورمیانه تبدیل کند. به عبارتی شرکای آمریکا اکنون این واقعیت خوفناک رابیش چشم دارند که درصورت اعمال فشار بیش از حد به پیونگ یانگ آنهابابد خودرابرای همه نوع واکنش غافلگیرانه وگیج کننده آماده کنند. آنها می دانندکه طرف مقابل شان بازی تحریم راتاآخر تاب نخواهد آوردودرصورت تشدید زنجیره تنگناها، سرانجام به واکنشهای مقابله جویانه وتلافی گرانه روی خواهد آورد و درست به همین دلیل بودکه همپای منطقه ای واشنگتن از انجام نخستین فاز تحریم علیه همسایه خود درامر بازرسی کشتی ها امتناع کرد.

افزون براین درانتای اجلاس پکن این اخطار بزرگ رابرخی دیپلمات ها دادندکه گروه غرب در مناقشه شرق آسیاباحریفی متفاوت از رقیبان خاورمیانه ای روبرواست و واکنش های حریفی که برنیروی هسته ای تکیه دارد، تنهابه بازداشت یاضبط اموال چند آمریکایی محدود نخواهد بود. اودرصورتی که در روند اجرای تحریم، خود رادرحال زوال ببیند، از همه توان خویش بهره خواهدجست.

درهرحال شکست اجلاس پکن پیام های خطرناکی برای بازیگران غربی این ماجرا، همراه داشت، که کمترین آن این است که روابط آمریکاوکره شمالی واردمرحله پرتنشی شده است وبرای عادی سازی وتغییر این مسیر چاره ای جز اصلاح ریشه ای رفتار طرف های متخاصم نیست. این مناقشه ازدید ناظران، نقطه شروع روشنی دارد که هرمیانجیگری ناگزیر نگاه خودرابه آن نقطه بایدمعطوف کند وآن چیزی جز تصمیم شورای امنیت نیست.

همه چیز ازنشست اکتبر شروع شد

ناظران خاوردور علت العلل بی اعتمادی پیونگ یانگ به روند مذاکرات وقول وقرارهای شش جانبه رادر تصمیم شورای امنیت می بینند. تصمیمی که به اعتقاد آنان بیش از دولت کره شمالی معیشت وحیات مردم این کشوررابه مخاطره انداخت وپیونگ یانگ رابه این باوررساند که حریفان اوتدارک یک براندازی خاموش رابااین تصمیم درسرمی پرورانند.

ضمن آن که به اعتقادبرخی ناظران تصمیم شورای امنیت هیچ راه مذاکره ای را پیش روی کره شمالی، بازنگذاشت وهمه پلها را خراب کرد.

به هر روی، اصل ماجرا این بودکه کره شمالی ۵ ژوئیه گذشته دست به چند آزمایش موشکی زد و به دنبال این اقدام، اعضای شورای امنیت برای اعمال تحریم های احتمالی علیه کره شمالی گردهم آمدند.

نماینده کره شمالی در اجلاس پکن ، سیاست های آمریکا را بحران ساز خواند

البته پیش ازروباروبی درشورای امنیت آمریکاوکره شمالی درسازمان انرژی اتمی نیز درگیری سیاسی دیگری را آزموده بودند . سابقه بحران هسته ای کره شمالی به اوایل دهه ۱۹۹۰ باز می گردد این کشور در سال ۱۹۹۳ از دادن اجازه به بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی برای بررسی دو مرکز هسته ای که گمان می رفت پسمانده های اتمی در آن انبار شده باشد خودداری ورزید.

به هر روی این بار واشنگتن برای پس راندن حریف، اهرم شورای امنیت رابه کاربست وطرح تحریم وحتی برخورد قهرآمیز را برای متوقف کردن برنامه آزمایش اتمی پیونگ یانگ در دستور کار قرار داد. دراین مرحله مخالفت های چین-تنها متحد جدی کره ای ها-که دارای حق وتو در شورای امنیت است مانع از تصویب قطعنامه ای در چارچوب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد علیه کره شمالی شد.(فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد شامل استفاده از زور علیه دولت خاطی می شود).امافصل مربوط به تحریم نیازهای استراتژیک این کشور باقی ماند تاحدی که در قطعنامه اخیر شورای امنیت دولت های جهان را ملزم کرد از انتقال فناوری موشک های بالستیک به کره شمالی جلوگیری کند.دقایقی پس از صدور این قطعنامه، پیونگ یانگ خواسته های شورای امنیت را «به طور کامل» رد کرد.

پال گیل جون، سفیر کره شمالی در سازمان ملل متحد، پس از تصویب این قطعنامه در شورای امنیت حاضر شد و گفت : کشورش دلیلی نمی بیند که در اوضاع کنونی آزمایش های موشکی خود را متوقف کند. وی درعین حال، برنامه های موشکی کره شمالی را کلید «حفظ توازن قوا و صلح و ثبات» در شمال شرق آسیا خواند.

آنچه درخبرها آمد تنها براین تأکید داشت که در ادامه اجلاس پنجگانه مربوط به وضع هسته ای شبه جزیره کره نشستی دیگر، این باربه ابتکار میزبانان چینی، برای گروه شش نفره دولتهای مرتبط با مناقشه هسته ای کره شمالی (آمریکا- روسیه - ژاپن -چین ودوکره) برپاشده است اما واقعیت این بودکه نشست پکن ازهر نظرتفاوتی اساسی با نشست های پیشین دارد.

الگوی یک بازی پیچیده

تجربه کسالت آور مذاکرات هسته ای آمریکاودوستانش برسر مسأله هسته ای کره شمالی، شاید یکی ازالگوهای پیچیده دنیای دیپلماسی باشد الگویی که در آن دوطرف تنها باهدف گرفتن امتیازهای بیشتر وعقب راندن حریف حاضر می شوند.

ازهمین روست که دوطرف باپوشه ای از خواسته ها و شرط های سنگین درمیدان مذاکره حاضر می شوند، به این امیدکه سرانجام طرف مقابل گامی پاپس نهد.

همین قاعده بازی است که مذاکرات شش جانبه نزدیک کردن مواضع آمریکا و کره شمالی برگزار شد و از جلسه اخیر به عنوان مرحله دوم دورپنجم یاد شده است.

داستان اجلاس شش جانبه از این قرار است که: در سال ۱۹۹۴، ایالات متحده و کره شمالی توافقنامه ای را امضا کردند که بر اساس آن، کره شمالی با تعلیق فعالیت های هسته ای و در نهایت، توقف کامل برنامه تسلیحات اتمی خود در برابر دریافت کمک خارجی برای تأمین نیاز داخلی به سوخت و تولید برق موافقت کرد. اما این تعهد هرگز به اجرا گذاشته نشد و در ماه نوامبر سال ۲۰۰۲، آمریکا، ژاپن و کره جنوبی ارسال نفت خام به کره شمالی را متوقف کردند. ماه بعد، کره شمالی گفت که فعالیت در مرکز اتمی یونگ بیانگ را از سر گرفته و تنها راه برای توقف این برنامه را گفت و گوهای دوجانبه اعلام کرد. اما دولت آمریکا تنها با مذاکره چند جانبه موافقت کرد.

پس از چند دور اجلاس شش جانبه بسیاری معتقدندکه اجلاس فوق کارایی وفلسفه وجودی خودرا ازدست داده است.سخن ناظران حول این اجلاس این است چه انتظاری می توان ازچنین اجلاسی داشت که طرف های اصلی مناقشه بدون برداشتن تحریم طرف قرباني ،یافتن راهی برای قانع کردن کره شمالی برای متوقف کردن برنامه های هسته ای این کشور را جست وجو می کنند

شاید نگران کننده تر از دامنه تنشها، نحوه رفتار طرف اصلی این بحران یعنی آمریکا باشد که هیچ اراده وعلاقه ای برای توقف درگیری نشان نمی دهدوسیاستهایی که خانم رایس ونماینده ویژه اودراین عرصه -کریستوفرهیل- پیش می برد چیزی جز دمیدن درکوره بحران نیست

سرانجام مصالحه ای در این زمینه صورت گرفت که شامل برگزاری مذاکرات شش جانبه - با شرکت آمریکا، کره شمالی، کره جنوبی، ژاپن، روسیه و چین - در پکن بوده است.

اما اکنون پس از چند دور اجلاس شش جانبه بسیاری معتقدند که اجلاس فوق کارایی وفلسفه وجودی خودراازدست داده است.سخن ناظران حول این اجلاس این است چه انتظاری می توان ازچنین اجلاسی داشت که طرف های اصلی مناقشه بدون برداشتن تحریم طرف قربانی ، فقط یافتن راهی برای قانع کردن کره شمالی برای متوقف کردن برنامه های هسته ای این کشور را جست وجو می کنند. آیا این معنای دیگری جز تسلیم خواهی دارد.بنابراین نشست های شش جانبه برموجی ازذهنیت ها و شعاربردازی ها راه خودرا ادامه داده است. فاصله شعارهای این اجلاس باسیاستهای واقعی به اندازه دیوارخصومت واشنگتن -پیونگ یانگ بوده است.درچنین فضای پیچیده ای نباید ازهیچ کدام ازطرف های حاضر انتظارشنیدن سخن راست داشته باشید.

نماینده چین، میزبان اجلاس، گفته بود که کره شمالی حاضر است در برابر دریافت کمک های بین المللی و تضمین های امنیتی با خلع سلاح هسته ای خود موافقت کند.شرط کره شمالی برای توقف فعالیت های هسته ای خودتوافق آمریکا با امضای پیمان دوجانبه عدم تجاوز و از سرگیری کمک های خارجی، بخصوص ارسال نفت به منظور تولید برق و رفع نیاز به استفاده از نیروگاه های هسته ای بوده است.

اماآمریکا، گفته مشوق هایش را برای ترغیب کره شمالی به قبول خواست های خود به این شرط که کره شمالی فعالیت های هسته ای خود را متوقف کند و به بازرسان بین المللی اجازه نظارت بر این فعالیت ها را بدهد. ارائه خواهد کرد.

چنان که ناظران گفته اند پیونگ یانگ دراین مذاکرات خواسته های روشن دارد، کره شمالی گفته است که اگر کاخ سفید درقبال خود صداقت دارد. در نخستین گام، ایالات متحده یک بانک مستقر در ماکائو را از فهرست سیاه خود خارج کند.

کره شمالی مبلغ بیست و چهار میلیون دلار را نزد این بانک سپرده گذاری کرده در حالی که آمریکا بانک را به دست داشتن در پولشویی و معاملات جعلی متهم کرده و از ماه سپتامبر سال ۲۰۰۵ آن را مشمول تحریم قرار داده است.همین فقره از کارشکنی واشنگتن مذاکرات شش جانبه را به مدت سیزده ماه درکما فرو برد.

ازطرفی کره شمالی برای بحث درباره برنامه های هسته ای خود خواستار مذاکرات دو جانبه به منظور امضای پیمان عدم تجاوز و دریافت کمک های اقتصادی از ایالات متحده شده است.اماآمریکا چنین مذاکراتی را نپذیرفته و اصرار داشته است که بحران کره باید با مشارکت کشورهای منطقه، بخصوص ژاپن و کره جنوبی، حل و فصل شود.

حادثه ای که ترتیبات امنیتی آمریکارابهم ریخت

دستیابی پیونگ یانگ به توان هسته ای همه معادلات آمریکا در خاور دور را بر هم زدتاحدی که برخی ناظران ازاین واقعه به حادثه بزرگتراز جنگ شبه جزیره یاد کردند.آنچه روشن است واشنگتن بزرگترین سرمایه گذاری رادراین نیم قرن درامنیت منطقه ای دونقطه مجاورکره شمالی-سئول وتوکیو- انجام داده بودکه بااین اتفاق همگی زیرسؤال رفته است .از این رو است که ناظران منطقه گفته اندکه کاخ سفیدهنوز از شوک ورود کره شمالی به باشگاه هسته ای خلاص نشده است واکنش های تندآن نسبت به پیونگ یانگ ریشه دراین داردکه دورنمای امنیت خاور دور از اراده اوخارج شده ومنطقه ای که مردان کاخ سفیدحیاط خلوت دشمن به پاشنه آشیل آنان تبدیل شده است .رسانه های آمریکایی دربرابراین شوک بزرگ ابتدا کوشیدند وانمود کنندکه آزمایش بمب اتمی توسط کره شمالی، لزوماً به معنی آن نیست که پیونگ یانگ به یک بمب اتمی تمام عیار و یا سلاح مجهز به کلاهک هسته ای دست یافته است .یا آنکه گفتند: اهمیت آزمایش اتمی کره شمالی بیشتر سیاسی است و توانایی های دیپلماتیک پیونگ یانگ را به تصویر می کشد.

اما تدریجاً ناگزیر ازاعتراف به این واقعیت شدندکه کره شمالی به باشگاه کشورهای دارای سلاح اتمی پیوسته است .

به هرحال محافل غرب می دانستند که کره شمالی مدتهاست به سلاح های هسته ای دست یافته است . تحلیلگران دفاعی آنها همواره نوشته بودند که پیونگ یانگ، پلوتیوم کافی برای تولید ۴ تا ۱۳ بمب اتمی در اختیار دارد. آنهاتخمین زده بودند که پیونگ یانگ دارای مواد اتمی کافی برای تولید چندین سلاح اتمی است.

دریکی ازگزارش های دفاعی آنان آمده بودکه کره شمالی دارای چندین بمب افکن ساخت شوروی سابق، از جمله ایلوشین ۲۸ است که از آن در تئوری می توان برای حمل بمب های اتمی مدل سال ۱۹۵۰ استفاده کرد. کره شمالی چندین دهه است که بر روی موشک های بالستیک(قاره پیما) کار می کند.

موشک تائپو دانگ دو، از سوی متخصصان این کشور برای هدف گیری مراکز دوردست طراحی شده است .

به هرحال، بامداد روز دوشنبه، ۹ اکتبر، خبرگزاری کره جنوبی - یونهاپ - که تحولات کره شمالی را دنبال می کند خبر داد که با توجه به اظهارات مقام های کره شمالی احتمال دارد آن کشور یک بمب اتمی را آزمایش کرده باشد و پس از آن، خبرگزاری مرکزی کره شمالی با تأیید خبر انجام یک آزمایش اتمی زیر زمینی، از قول مقام های دولتی گزارش کرد که این آزمایش بدون پراکنده شدن مواد رادیو اکتیو صورت گرفته است .محل انجام آزمایش اتمی کره شمالی استان گیلجو در شمال غرب این کشور و در مجاورت دریای ژاپن گزارش شد و مقام های آمریکایی گفته اند که سازمان های اطلاعاتی ایالات متحده و کره جنوبی آثار لرزه نگاری حاکی از احتمال انجام انجام چنین آزمایشی را ثبت کرده اند.

کره شمالی با انتشار خبر آزمایش اتمی این کشور، آن را تحولی تاریخ ساز خواند و گفت که «آزمایش اتمی کره شمالی به حفظ وتحکیم صلح و ثبات در شبه جزیره کره ومنطقه پیرامون آن کمک خواهد کرد.» پیونگ یانگ افزودکه بمب اتمی کره شمالی صد در صد با فناوری داخلی ساخته و آزمایش شده است.

دراین میان آمریکایی ها بهره بیشتری ازخوش بینی راداشته اند که هربار باامیدی تازه به زمینگیر شدن حریف تحت تأثیر تحریمها به میدان آمده اندخوشبینی دیگر واشنگتن، این بوده که سرانجام با اهرم فشار شرکایش پیونگ یانگ رافتح کند.

دولت های منطقه ودیگراعضای این کلوپ دیپلماسی به نحو دیگری آن نگاه خوشبینانه را در ادوار شش گانه مذاکرات، تعقیب کرده اند. آنها با این امید بساط مذاکره راچیده اندکه اولاً ازادامه تنشها بکاهندوفضای مناسبات وآستانه تنش را میان دوطرف کنترل شده نگه دارند ثانیاً با علم به خصلت معامله گری طرف آمریکایی سرانجام کاخ سفید رابه اعطای امتیاز درخور ترغیب سازند.

اما تاکنون هیچ کدام از این محاسبه ها به کرسی اثبات ننشسته است .آخرین شگرد آنها این بوده که برای شواندن وبرانگیختن امثال ژاپن گفته اند اقدام پیونگ یانگ وضع ژئوپولیتیک منطقه را تغییر می دهد و بیشتر دولت ها بر این فرض خواهند بود که اگر کره شمالی می تواند به آزمایش اتمی دست بزند، آنها نیز ابزار لازم برای تولید یک بمب اتمی را در اختیار دارند.

آنچه نمایان است نومحافظه کاران بامنطق وتعریف تازه درمیادین مذاکره حاضر شده اند آنها برخلاف همه اسلاف خود راروباو آمریکا، دیپلماسی مذاکره رابه میدان نزاع وانتقام تبدیل کرده اند. واین راز بن بست چندین پروژه آنان ازخاورمیانه تا خاوردوراست.

به این ترتیب است که نشست شش جانبه اخیر نیزکه درپی یک تعلیق سیزده ماهه در پکن برگزار شده بود، پس از ۵ روز گفت و گو، بدون دستیابی به نتیجه خاتمه یافت .نشستی که دور اول آن در اوت سال ۲۰۰۳ و پس از اعلام تصمیم کره شمالی به خروج از پیمان منع گسترش جنگ افزارهای هسته ای - ان پی تی - برگزار شد .مذاکرات شش جانبه به ابتکار دولت چین و به منظور رادربن بست وطلسم بزرگ گرفتارکرده است.

خون، اشک و حسرت پیروزی

«جرج بوش پس از ملاقات با نوری المالکی، ایده خروج آبرومندانه از عراق را به باد تمسخر گرفت.»

در هفته های اخیر رفتار جورج بوش از وضع نامتعادلی برخوردار بوده است. درون آمریکا، در جریان انتخابات کنگره رأی دهندگان ضربه جدی به اعتبار بوش وارد آوردند. در عراق، رؤیاهای او برای ایجاد یک دموکراسی نمونه در خون سربازان آمریکایی محو شد. با توجه به تمامی سخنان جسورانه ای که او در امان با نوری المالکی، نخست وزیر عراق رد و بدل کرد، چنین تصور می شود که هم اکنون هدف اصلی بوش یافتن راهی مناسب و آبرومندانه برای خروج نیروهای آمریکایی ازعراق است. تنها در صورت وقوع چنین امری است که جمهوریخواهان خواهند توانست برای یک دوره ۴ ساله دیگر درکاخ سفید حضور داشته باشند و شاید پس از ترک عراق، آمریکا بتواند اعتبار از دست رفته خود در خاورمیانه را بازیابد. به هر تقدیر، چنین اقدامی با عقلانیت سازگارتر است. اما آیا بوش آن را می پذیرد؟

آقای رئیس جمهور با مشکلات بسیاری در منطقه خاورمیانه روبه رو است. او در سفر به امان (پایتخت اردن) کوشید تا همچون افراد ناتوان سخن نگوید. در اجلاس ناتو در شهر ریگا، بوش بار دیگر تأکید کرد که نظامیان آمریکایی تا پایان مأموریت شان، میدان نبرد را ترک نخواهند کرد. از سویی، او بارها اعلام کرده که در مبارزه با تروریسم برای خود رسالتی قائل است! به همین دلیل تا ریشه کن کردن آن، به جنگ ادامه خواهد داد. خوب، با توجه به موارد فوق خروج آبرومندانه از عراق کاری غیرممکن به نظر می رسد.

گروه مطالعات عراق (موسوم به بیکر ـ همیلتون) با ارائه گزارش راهکارهایی را برای خروج آمریکا از بحران و بهبود وضع آن در عراق پیشنهاد کرده است. یکی از مهم ترین بخش های این گزارش، دعوت از ایران و سوریه (به عنوان همسایگان عراق و دو وزنه مهم منطقه) به همکاری برای برقراری ثبات و امنیت در عراق است. گزارش بیکر صراحتاً اعلام می کند که تنها راه پایان بخشیدن به بحران عراق و ایجاد ثبات در این کشور، همکاری کشورهای همسایه بویژه ایران است؛ مقام های ارشد واشنگتن حاضر به پذیرش این امر نیستند، چرا که آن را (البته به طور ضمنی) اعتراف به شکست سیاست های آمریکا درعراق می دانند. هر چند، تاکنون در چندین نوبت مقام های آمریکایی گفته اند که ایران می تواند نقش مؤثری در پایان دادن به بحران عراق ایفا کند. با این حال، ناگفته پیداست که آنها نمی خواهند حضور ایران نقش آمریکا را کم رنگ کند.

از دیگر طرح های پیشنهادی گروه بیکر می توان به پیشنهاد خروج تدریجی نیروهای آمریکایی از عراق از اوایل سال ۲۰۰۸ اشاره کرد. این طرح نیز با استقبال سرد واشنگتن مواجه شده است. پس از انتشار گزارش گروه مطالعات عراق، رسانه ها و مطبوعات آمریکا با ارائه تحلیل های متعدد (وبرخی متفاوت) به آن واکنش نشان دادند.

در تحولی دیگر، رئیس جمهور آمریکا برای رهایی از بحران به وجود آمده در عراق، به دیدار نظامیان ارشد پنتاگون شتافت. پس از استعفای اجباری رامسفلد وزیر دفاع و از حامیان بزرگ بوش، آقای رئیس جمهور در شرایط بدی گرفتار آمده است. روز چهارشنبه ۲۲ آذرماه، بوش در نشستی ۹۰ دقیقه ای از نظامیان بلندپایه پنتاگون خواست تا طرح ها و پیشنهادهای خود را برای ایجاد ثبات و امنیت در عراق ارائه کنند. در گفت وگوی مطبوعاتی پس از این نشست، بوش از افشای مضمون مذاکرات خودداری کرد؛ اما گفت که پیشنهادهای خوبی دریافت کرده که به مرور آنها را اجرا خواهد کرد. اما تنها آینده، درستی یا نادرستی گفته ها و اعمال او را نشان خواهد داد.

منبع: اکونومیست

برگردان: علی کورعباسلو